

مهندسی انتخابات و ترسیم جدید از معادله قدرت در افغانستان

محمد اکرام اندیشمند

آیا تدویر سومین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بدون تقلب و با شفافیت همراه خواهد بود؟ سناریوی تقلب احتمالی در انتخابات چگونه نگاشته خواهد شد و چگونه مهندسی می شود؟

پیامد تقلب و مهندسی انتخابات در بازی سیاسی و معادله قدرت چیست؟ چگونه میتوان از تقلب و مهندسی در انتخابات جلوگیری کرد؟ در حالی که انتخابات ریاست جمهوری و شوراها ولایتی روز شنبه (16 حمل 1393 / اپریل 2014) برگزار می شود، اذهان بسیاری بدریافت پاسخ به پرسش های مذکور معطوف میگردد.

نکته روشن از پیامد دو ماه مبارزات انتخاباتی نامزدان ریاست جمهوری به تبار سه نامزد پیشتاز بر میگردد که آنها بالترتیب عبارتند از:

1- عبدالله عبدالله

2- زلمی رسول

3- اشرف غنی احمدزی

در حالی که هر یک از این نامزدان در درون دولت افغانستان حامیان خود را دارند، اما این راز دیگر از پرده برافتاده که نامزد اصلی مورد حمایت دولت و شخص رئیس جمهور کرزی زلمی رسول است؛ نامزدی که حتی تا چند ماه قبل در حدس و گمانه زنی های آگاهان و فعالان سیاسی شامل لیست نامزدان نمی شد و شاید خود ایشان نیز از آن بی اطلاع بود.

آیا زلمی رسول برنده این انتخابات خواهد شد؟

اگر حمایت ناآشکار رئیس جمهور کرزی از زلمی رسول برگ برنده موصوف در انتخابات، تلقی و ارزیابی شود و پیروزی از قبل تعیین شده را برای او رقم بزند، بازی با این سکه یک رخ دیگر هم دارد: ناکامی زلمی رسول در انتخابات.

شکست زلمی رسول ناشی از سیاست های خارجی رئیس جمهور کرزی به ویژه در مخالفت و ستیزه جویی با امریکا و غرب خواهد بود، مشروط بر اینکه امریکا ستیزی رئیس جمهور کرزی نه یک بازی استخباراتی، بلکه چرخش جدی و واقعی در نگرش و دیدگاه وی در برابر امریکا و غرب باشد. در چنین حالت که به سختی میتوان از واقعی بودن آن سخن گفت، زلمی رسول قربانی این سیاست خواهد شد.

اجرای سناریوی مهندسی انتخابات از سوی مهندسان دولتی در جهت پیروزی نامزد مورد نظر، وضعیت ایده ال و مطلوب است. اگر با شکست این مهندسی،

انتخابات به دوردوم کشانده شود، طرح اصلی مهندسان انتخابات در دور دوم آن خواهد بود تا زلمی رسول و اشرف غنی احمدزی وارد این دور شوند. اهمیت برگزاری دور دوم انتخابات میان دو نامزد مذکور برای مهندسان انتخابات به ویژه برای ارگ کابل از زاویه نگرش قومی در عرصه سیاست و اقتدار سیاسی به دو نکته مهم در باور و نگرش آنها بر میگردد:

1- بازگشت به رقابت قبیله ای قدرت سیاسی در درون قومیت واحد پشتون. این رقابت که از دیدگاه آنان با توجه به ساختار اجتماعی و قومی افغانستان که تا کودتای ثور 1357 بازتاب طبیعی و منطقی این ساختار بود، پس از کودتای مذکور در اثرتجاوز و دخالت خارجی از مسیر اصلی و طبیعی آن منحرف شد. تبعات این انحراف، بی ثباتی سیاسی و تداوم دخالت خارجی با تکیه به اقلیت های قومی و تغیر رقابت قبیله ای قدرت در درون یک قوم، به منازعه قومی قدرت میان اقوام بود. برگزاری دور دوم انتخابات میان اشرف غنی احمدزی و زلمی رسول که در واقع رقابت قبیله ای قدرت را میان قبایل درانی و غلجایی منعکس می سازد، بازگشت به همان وضعیت طبیعی رقابت سیاسی تلقی می شود.

2- راندن و حذف سایر گروه های قومی از مرکز رقابت بر سر قدرت سیاسی به ویژه گروه قومی تاجک مدعی اصلی این رقابت، به حاشیه و به بیرون از میدان اصلی منازعه مسالمت آمیز قدرت. عدم ورود دکتور عبدالله به دور دوم از این زاویه مورد توجه قرار می گیرد و بازگشت به مسیر طبیعی رقابت قبیله ای قدرت در درون ساختار گروه قومی واحد، محقق و تثبیت می شود.

نظارت و شمارش آرا؛ انتخابات شفاف و عادلانه:

یگانه راه برگزاری انتخابات شفاف و عاری از تقلب های کلان و تخطی های فراگیر انتخاباتی، نظارت فراگیر بر انتخابات و شمارش آرای مردم در محل اخذ رای است. اینکه تا کدام حد این نظارت و شمارش آرا، عدالت و شفافیت انتخابات را تضمین می کند، بدرستی نمی توان تعیین کرد. اما نظارت فراگیر گسترده در هر یک از مراکز رای گیری متشکل از نمایندگان نامزدها و نمایندگان جامعه مدنی درصدی این ضمانت را بالا می برد.

نکته مهم در مورد کارآیی و مؤثریت نظارت بر انتخابات آن است تا قبل از انتخابات، تمام نامزدان ریاست جمهوری، کمسیون مستقل انتخابات و دولت افغانستان توافق کنند که رای گیری در غیاب ناظران به خصوص ناظران نامزدهای پیشتاز انتخابات و شمارش آرا بدون حضور آنها مدار اعتبار نیست. باز بودن مراکز رای گیری و شمارش آرا در غیاب نماینده و ناظر نامزدان ریاست جمهوری و جامعه مدنی مبتنی به هربهانه و عاملی، حکایت از تقلب انتخاباتی دارد.

